

## بررسی چند مفهوم دستوری بر پایه رده‌شناسی زبان فارسی: ناگذر و گذرا، نهاد، ماده فعلی

### ۱- روشک آذری

۱- استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران<sup>۱</sup>

Email: azariroshanak@gmail.com

#### چکیده

رده‌شناسی زبان یکی از شاخه‌های مهم در علم زبان‌شناسی است و دو هدف اصلی دارد: دسته‌بندی زبان‌های جهان و یافتن روابط موجود میان زبان‌ها به لحاظ ساختارهای دستوری آنها. بر اساس رده‌شناسی، زبان فارسی در دوره باستان جزو زبان‌های ترکیبی بوده است؛ اما از دوره میانه به بعد جزو زبان‌های تحلیلی دسته‌بندی می‌شود. هدف از نگارش این مقاله توصیفی-کیفی، نقد دو مقایسه نحوی در زبان فارسی با زبان عربی است که بر اساس رده‌شناسی جهانی یک زبان تصریفی محسوب می‌شود. این پژوهش نشان داد که ویژگی ناگذر و گذرای فعل در فارسی با دو مفهوم لازم و متعدی همپوشانی کامل ندارد زیرا فعل متعدی، فقط گذرای به مفعول است. همچنین، واژه «فاعل» از دستور سنتی، نمی‌تواند جایگزین لفظ «نهاد» شود زیرا در فارسی، هر نهادی انجام‌دهنده کار نیست. در پایان، تأکید شد با توجه به حذف «ریشه» که در زبان‌های ایرانی باستان برای صرف اسم و فعل کاربرد داشته و جانشین شدن آن با ماده ماضی و مضارع در دوره میانه و نو؛ کاربرد واژه «بن» به جای ماده فعلی (ستاک)، لفظ دقیقی نیست.

کلمات کلیدی: رده‌شناسی زبان، گذرا، متعدی، نهاد و فاعل، ماده فعلی

#### ۱. مقدمه

الگوها و روابطی که مجموعاً ساختمان زبان را پدید می‌آورند، انواع متفاوتی دارند. ما می‌توانیم آنها را از سه زاویه دستور، واژگان و آواها مطالعه کنیم [۵]. بررسی ساختمان و نحوه کاربرد یک زبان تحت عنوان «دستور» انجام می‌پذیرد. دستور خود متشکل از دو بخش مجزا یعنی «صرف» و «نحو» است [۸].

زبان‌شناسی جدید به این نتیجه رسیده است که در قدم اول باید ساختمان زبان را از داخل توصیف کرد و در مرحله دوم به توصیف روابط این شبکه داخلی با جهان بیرون پرداخت. یعنی باید اول ساخت یا صورت و بعد معنا را بررسی کرد [۵]. دستور و واژگان بر روی

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

هم جنبه صوری<sup>۳</sup> زبان را تشکیل می‌دهند. دستور به آن قسمت از جنبه صوری زبان گفته می‌شود که در آن طبقات، بسته عمل می‌کنند. واژگان به آن قسمت از جنبه صوری زبان گفته می‌شود که در آن طبقات، باز عمل می‌کنند [۵]. گذراز دستور سنتی تجویزی که هدف اصلی آن تجویز درست نوشتن و درست گفتن است، به دستور زبان فارسی با نگاهی نو و بر اساس توصیف ساختمان دستوری آن<sup>۴</sup> و دسته بندی ویژگی‌های ساختاری آن در رده‌بندی‌های زبانی جهانی<sup>۵</sup> همواره با بحث و اختلاف عقیده بر سر مفاهیم پایه دستور زبان فارسی همراه بوده است. برای مثال بین دستور سنتی و نوین در شمارش انواع واژه<sup>۶</sup> و همچنین نقش‌های آن در جمله عدم توافق مشاهده می‌شود [۱۳].

در کتاب توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، آمده است: همه دستورهایی که برای اسم در زبان فارسی امروز چهار حالت فاعلی، مفعولی، اضافی و ندایی شناخته‌اند، گول صرف و نحو عربی یا بعضی از زبان‌های دیگر را خورده‌اند و خواننده خود را نیز همراه کرده‌اند، زیرا اسم در فارسی نو در حالات نحوی صرف نمی‌شود و از نظر صرفی مشخصه‌ای نیست که آنها را از هم متمایز کند<sup>۷</sup> در حالیکه در عربی این حالات از یکدیگر قابل تشخیص هستند؛ زیرا اسم در شرایط مختلف نحوی تغییر می‌کند [۵]. دستورهای سنتی فارسی از یک سو زیر نفوذ صرف و نحو عربی هستند و از سوی دیگر از دستورهای سنتی فرانسه که خود از لاتین گرفته شده، تقلید کرده‌اند [۶].

**هدف از نگارش این مقاله** روشن کردن مرز میان دستور سنتی و نو برای دان شجویان و علاقه‌مندان و نیز، بیان چرایی لزوم دقت در کاربرد برخی واژه‌ها و اصطلاحات در دستور نوی زبان فارسی است. این مقاله آموزشی برای سهولت درک مباحث دستور معاصر است. در این مقاله به چهار پرسش پایه پرداخته می‌شود.

## ۲. پرسش‌های پژوهش:

### ۱- چرا زبان فارسی نو در رده‌شناختی، جزو زبان‌های تحلیلی است؟

۲- آیا گذر و ناگذر همان لازم و متعدیست؟

۳- تفاوت نهاد با فاعل چیست؟

۴- تفاوت ماده فعل با بن فعل چیست؟

## ۳. پیشینه پژوهش:

<sup>۳</sup>Formal Aspect

<sup>۴</sup> دستور نوی زبان فارسی که بر اساس نظریه‌های زبانشناسی نوشته می‌شود، توصیفی است.

<sup>۵</sup> زبانشناسی همگانی

<sup>۶</sup> در دستورهای سنتی انواع واژه تا ۹ قسم شمارش شده است [۱۴].

<sup>۷</sup> در زبان فارسی، نقش‌نماها برای نشان دادن نقش نحوی گروه اسمی در جمله کاربرد دارند.

از چاپ مقاله «برخی همگانی‌های دستور با تاکید بر توالی عناصر معنی‌دار»، نوشته گرینبرگ (۱۹۶۳)<sup>۱</sup> بیش از نیم قرن می‌گذرد. این مقاله نقطه شروع مطالعه همگانی‌ها (جهانی‌ها) در رده شناسی زبان است. از آن پس، هزاران مقاله و صدها کتاب به موضوعات مختلف در رده شناسی پرداخته‌اند [۱۰]. کتاب «رده شناسی زبان‌های ایرانی»، نوشته محمد دبیرمقدم [۹] یکی از مهم‌ترین پژوهش‌ها در زمینه طبقه‌بندی زبان فارسی و دیگر زبان‌های ایرانی از منظر رده‌شناختی است. در بیشتر کتاب‌های درسی ساخت زبان فارسی بر پایه علم زبان‌شناسی، به موضوع تغییر طبقه‌بندی زبان فارسی از دسته ترکیبی در دوره باستان، به دسته تحلیلی در دوره میانه و نو اشاره شده است. همین دسته‌بندی است که لزوم بررسی ساخت صرفی و نحوی زبان فارسی را به طور مستقل تبیین می‌کند و تطبیق مقولات دستوری زبان‌های دیگر را بر زبان فارسی جایز نمی‌داند. برای پیشینه پرسش‌های دوم الی چهارم، می‌توان به مقاله «فعل گذرا و ناگذر - گزارشی تحلیلی از اختلاف آرای دستور زبان‌های فارسی» نوشته فاطمه رفیعی و اسماعیل تاج‌بخش اشاره کرد که بر اساس بررسی کتاب‌های دستور سنتی و دستور نو بر پایه نظریه‌های زبان‌شناسی نوشته شده است [۱۲]. در کتاب دستور تطبیقی فارسی-عربی، نوشته عباسعلی وفایی، مفاهیم و اصطلاحات دستوری زبان فارسی و عربی با یکدیگر مقایسه می‌شوند [۱۸]. برای مثال، انواع نهاد توضیح داده شده و تفاوت اسم فاعل با صفت فاعلی آمده است. برای پرسش چهارم، اگرچه پاسخ مستقیمی در کتب وجود ندارد، اما در همه کتاب‌های دستور تاریخی زبان فارسی، در بخش زبان فارسی باستان و استای، به تفصیل در مورد چگونگی ساخت ماده‌های گوناگون از ریشه برای صرف فعل در دستگاه‌های زمانی گوناگون، سخن گفته شده است. از جامع‌ترین منابع فارسی می‌توان به کتاب‌های «دستور تاریخی زبان فارسی» و «تاریخ زبان فارسی» محسن ابوالقاسمی [۲] و [۳] اشاره کرد. همچنین، نگارنده [۱] در مقاله‌ای با عنوان «بررسی در زمانی ساخت صفت‌های فاعلی و مفعولی زبان فارسی و تحلیل محتوای آموزشی آن در کتب متوسطه»، به تفاوت کاربرد دو لفظ ماده و بن در دستور زبان فارسی پرداخته است.

#### ۴. روش پژوهش:

این مقاله یک پژوهش توصیفی با کمک منابع کتابخانه‌ای، به روش کمی است.

#### ۵. بحث اصلی

#### ۱-۵ رده‌شناسی زبان فارسی

<sup>۱</sup>J.H. Greenberg

<sup>۲</sup>Universals

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی  
The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

رده‌شناسی زبان یکی از شاخه‌های مهم زبان‌شناسی است که به مطالعه موارد اشتراک و افتراق زبان‌ها می‌پردازد. به گفته بیکل<sup>۱</sup> هدف از رده‌شناسی در عصر حاضر تبیین تنوع زبانی بر اساس نظریه است. او رده‌شناسی نوین را حوزه‌ای می‌داند که در آن، برای رصد شباهت‌ها و تفاوت‌های میان‌زبانی، متغیرهایی مطرح می‌شود [۱۶]. رده‌شناسی زبان دو هدف عمده را در مطالعات خود پی می‌گیرد که عبارتند از: نخست دسته‌بندی زبان‌های جهان و دوم یافتن روابط موجود میان زبان‌ها به لحاظ ساختارهای دستوری و به دست دادن اهمیت‌های رده‌شناختی آنها. دو نوع رده‌شناسی کل‌گرا<sup>۲</sup> و جزءگرا<sup>۳</sup> وجود دارند: در رده‌شناسی کل‌گرا کلیت زبان – و نه اجزا و عناصر آن – به لحاظ موقعیت و ویژگی‌هایش مورد بررسی قرار می‌گیرد. مثل اینکه بگوییم «زبان فارسی باستان در نگاهی کلی، زبانی تصریفی است». این تعریف نشان‌دهنده دید کل‌گرای ما در رده‌شناسی زبان‌های هندواروپایی است. یکی از ملاک‌هایی که در رده‌شناسی کل‌گرا به کار گرفته می‌شود، نوع ترکیب و به هم پیوستن عناصر جمله است. در آغاز قرن نوزدهم، زبان‌ها بر این اساس، به دو گروه تقسیم شدند:

الف) زبان‌هایی که تغییرات معنا را از طریق دگرگونی‌های درون واژه‌ای نشان می‌دهند. ب) زبان‌هایی که تغییرات معنا از راه افزودن وند به ریشه واژه‌ها به وجود می‌آید. این دو گروه بعدها به چهار گروه به نام زبان‌های تصریفی<sup>۴</sup>، پیوندی<sup>۵</sup>، تحلیلی یا گسسته<sup>۶</sup> و چندترکیبی<sup>۷</sup> افزایش یافت؛ اما نمی‌توان این طبقه‌بندی را به صورت دوقطبی در آورد؛ زیرا بعضی زبان‌ها در گذر زمان در حال تغییر رده خود هستند. برای مثال زبان فارسی هم از زبان‌های پیوندی نشان دارد و هم از زبان‌های ترکیبی [۱۵].

زبان فارسی در دوره باستان، زبانی ترکیبی بود. یعنی ساخت و مشخصات ظاهری هر کلمه بر روی زنجیر گفتار معرف موقعیت صرفی و نحوی کلمه بود. همچنین وندهای پایانی و اجزای صرفی سازنده کلمات، نشانه دستوری بودند که موجب شناسایی نقش‌های صرفی و نحوی هر کلمه می‌شدند. به عبارت دیگر، ترکیب صوری واژه‌ها نقش دستوری آنها را مشخص می‌کرد. مهم‌ترین ویژگی ساختمان زبان فارسی باستان که آن را به صورت یک زبان ترکیبی در آورده، صرف اسم است (باقری)؛ یعنی یک واژه در نقش‌های مختلف نحوی مانند نهادی، مفعولی، انواع اضافی، ندایی و غیره با تغییر شکل واژه و وندهای مختلفی در پایان واژه ظاهر می‌شده است [۱].

<sup>۱</sup>Linguistic typology

<sup>۲</sup>B. Bickel

<sup>۳</sup>Holistic typology

<sup>۴</sup>Partial typology

<sup>۵</sup>Inflectional

<sup>۶</sup>Agglutinative

<sup>۷</sup>Analytic or Isolating

<sup>۸</sup>Polysynthetic

در دوره میانه با از بین رفتن سیستم صرف اسامی و حذف جنس دستوری و شمار مثنی، ساختمان زبان فارسی ساده‌تر شد. بدین ترتیب از این دوره به بعد برای تشخیص حالت نحوی یک واژه، باید با تحلیل روابط اجزای موجود در زنجیره گفتار، نقش دستوری واژه را تعیین کرد. ازین رو زبان فارسی در دوره میانه و نو جزو زبان‌های تحلیلی به حساب می‌آید [۸].

در واقع زبان تحلیلی زبانست که در آن، واژه‌ها هنگام به کار رفتن در نقش‌های دستوری متفاوت تغییر شکل پیدا نمی‌کنند. در این زبان‌ها نقش دستوری به کمک حروف اضافه (مثل «را» برای نشان دادن نقش مفعولی) و آرایش سازه‌های نشان داده می‌شود [۴].

## ۲-۵. مقایسه ویژگی گذر و ناگذر فعل با دو مفهوم لازم و متعدی

اصطلاح گذرا و ناگذر برای «active» و «middle» آمده است. دستور نویسان هندی باستان فعل گذرا را «prasmaipada» و ناگذر را «atmanpada» می‌گویند که برگردان آنها به فارسی، به ترتیب «ساخت برای دیگران» و «ساخت برای خود» است. از دو اصطلاح سانسکریت می‌توان معنی دقیق دستوری آن را دریافت. یعنی صورت گذرا ساختی از فعل است که در آن نتیجه عمل به دیگران می‌رسد و صورت ناگذر ساختی است که نتیجه فعل به خود شخص می‌رسد [۱۱].

در کتب دستور زبان بر مبنای نظریه‌های زبان‌شناسی، فعل‌ها به دو دسته گذرا و ناگذر تقسیم می‌شوند [۱۲]. این تقسیم‌بندی بر این اصل صورت گرفته که فعل، عامل اصلی تعیین‌کننده اجزای جمله است. فعل ناگذر فعلی است که تنها به نهاد نیاز دارد. فعل گذرا فعلی است که علاوه بر نهاد، مفعول، متمم یا مسند بخواهد. بنابراین فعل گذرا به سه گونه گذرا به مفعول، گذرا به متمم و گذرا به مسند تقسیم می‌شود. البته گاهی اوقات برای تکمیل معنای فعل ممکن است به مفعول و متمم، مفعول و مسند، متمم و مسند یا دو مفعول نیاز باشد [۱۷].

در دستور سنتی پنج استاد فعل لازم و متعدی بدین صورت تعریف شده است: «فعل لازم این است که به فاعل تمام شود و مفعول نداشته باشد»؛ «فعل متعدی این است که با داشتن فاعل به مفعول محتاج باشد». دیگر دستورنویسان سنتی نیز تعریف‌های مشابه ارائه داده‌اند و بعضی به مفعول صریح و غیر صریح نیز اشاره کرده‌اند [۱۲].

بحث «فاعل» در بخش بعدی مقاله می‌آید؛ اما در نقد تعریفی که از فعل متعدی در دستور سنتی وجود دارد، باید گفت که این تعریف منطبق با فعل گذرا نیست؛ زیرا فقط یکی از زیر مجموعه‌های آن، یعنی گذرا به مفعول را تعریف می‌کند [۱۲]. بدین ترتیب نمی‌توان از لفظ متعدی بجای گذرا استفاده کرد. همچنین، صورت ناگذر در فارسی همیشه با لازم یکی نیست. بسیاری از صورت‌های ناگذر معنی مجهول دارند [۱۱].

### ۳-۵. تفاوت نهاد با فاعل

جمله سخنی است که دارای دو بخش نهاد و گزاره باشد. گزاره «خبر» جمله و «نهاد» صاحب خبر است [۱۷]. به بیان دیگر نهاد قسمتی از جمله است که درباره آن خبری داده می‌شود و گزاره بخشی از جمله است که گوینده در آن خبری را درباره نهاد بیان می‌کند. در کتاب دستور تطبیقی زبان فارسی و عربی، نهاد به دو دسته نهادفاعلی، نهاد مسندالیهی تقسیم‌بندی می‌شود [۱۸].

هر گاه اسم در جمله، کننده کاری باشد و انجام گرفتن کاری را به اثبات و نفی بدان نسبت دهد، نقش فاعلی خواهد داشت. در این صورت فعل جمله از نوع معلوم است. در جمله‌هایی که فعل جمله مجهول است، مفعول در جای نهاد می‌نشیند. در زبان فارسی، نقش نایب فاعلی وجود ندارد. بدین ترتیب در زبان فارسی نهاد همیشه فاعل نیست و نباید این دو واژه بجای یکدیگر بکار روند [۱۸].

یکی از مباحثی که در رده‌بندی زبانی وجود دارد، مقایسه شباهت‌ها در بین زبان‌هایست که در یک طبقه باشند. از آنجا که زبان عربی تصریفی است، نباید نحو آن را بر زبان فارسی که تحلیلی است منطبق کرد.

### ۴-۵. تفاوت ماده فعل با بن فعل

در زبان‌های دوره باستان ایران، ریشه جزئی است که میان لغت‌های تشکیل دهنده یک خانواده لغوی مشترک است و معنی اصلی آن لغت‌ها را دربردارد. در این دوره، از ریشه به منظور ساخت ماده اسمی یا فعلی استفاده می‌شده تا اسم برای صرف و فعل برای افزودن شناسه آماده شود. به طور خلاصه، ماده‌سازها<sup>۱</sup> به یکی از سه نوع ریشه (ضعیف، قوی، بالانده) اضافه می‌شدند و ماده‌های مضارع به ده روش بدست می‌آمده‌اند [۱].

در ادامه شیوه ساخت صفت مفعولی و ماده مضارع از ریشه  $\sqrt{bar}$  در زبان اوستایی نشان داده می‌شود:

صفت مفعولی  $b\bar{e}r\bar{e}_+ + \bar{t}a = b\bar{e}r\bar{e}t\bar{a}_-$  ریشه ضعیف  $\sqrt{bar}$  ریشه

ماده مضارع  $bar_+ + \bar{a} = bar\bar{a}_-$  ریشه قوی  $\sqrt{bar}$  ریشه

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در دوره میانه ریشه از میان رفته است و فقط ماده ماضی و مضارع برای دو دستگاه گذشته و حال باقی مانده‌اند. ماده‌های اسمی نیز شکل ثابت پیدا کرده‌اند زیرا اسم دیگر صرف نمی‌شود. بدین ترتیب کاربرد لفظ «بن» که معنای اصلی آن ریشه است، به جای ماده در فارسی نو، دقیق به نظر نمی‌رسد. جایگزینی واژه «ستاک» برای لفظ عربی «ماده» پیشنهاد می‌شود [۱].

## ۶. نتیجه‌گیری

- ۱- زبان فارسی در رده‌شناسی جهانی زبان در دوره نو جزو زبان‌های تحلیلی طبقه‌بندی می‌شود. از این منظر، نمی‌توان صرف و نحو آن را با زبان عربی که یک زبان تصریفی است، مقایسه و یا منطبق کرد.
- ۲- ویژگی گذرا بودن فعل به معنی نیاز فعل بر یک جزء دیگر در گزاره برای تکمیل معنی است. این جزء مکمل لزوماً مفعول نیست. پس نمی‌توان واژه گذرا را معادل متعدی دانست.
- ۳- هر گاه در جمله فعل مجهول باشد، نهاد جمله انجام دهنده کار نیست و در واقع عملی بر آن انجام شده است. بدین ترتیب نمی‌توان در همه جملات فارسی گفت که نهاد همان فاعل است.
- ۴- در دوره باستان، برای صرف فعل ابتدا ریشه فعلی با ماده‌سازها ترکیب می‌شده است و ماده‌های مختلف برای صرف در دستگاه‌های گوناگون زمانی بدست می‌آمده‌اند تا در انتها به آنها شناسه اضافه شود. در فارسی نو تنها ماده‌ها بجا مانده‌اند. بدین ترتیب بهتر است در کتاب‌های زبان فارسی، واژه «ماده» یا «ستاک» بجای «بن» بکار روند.

## ۷. مراجع

۱. آذری، روشنگر، بررسی در زمانی ساخت صفت‌های فاعلی و مفعولی زبان فارسی و تحلیل محتوای آموزشی آن در کتب متوسطه نظام قدیم و جدید، فصلنامه آموزش پژوهی، دوره هفتم، ش. ۲۵، بهار ۱۴۰۰.
۲. ابوالقاسمی، محسن، تاریخ زبان فارسی، سمت، چاپ پانزدهم، تهران، ۱۳۹۶.
۳. ابوالقاسمی، محسن، دستور تاریخی زبان فارسی، سمت، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۹۸.
۴. افراشی، آریتا، ساخت زبان فارسی، چاپ سیزدهم، سمت، تهران، ۱۳۹۸.
۵. باطنی، محمدرضا، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، چاپ سی‌وهشتم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۹۸.
۶. باطنی، محمدرضا، نگاهی تازه به دستور زبان، چاپ هفدهم، انتشارات آگه، تهران، ۱۴۰۱.
۷. باقری، مه‌ری، تاریخ زبان فارسی، چاپ بیست و دوم، نشر قطره، تهران، ۱۳۹۶.
۸. باقری، مه‌ری، مقدمات زبان‌شناسی، چاپ نوزدهم، نشر قطره، تهران، ۱۳۹۴.
۹. دبیرمقدم، محمد، رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، سمت، دو جلدی، تهران، ۱۳۹۲.
۱۰. راسخ مهند، محمد، نقد و بررسی رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، نشریه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، ش. ۴، آذر ۱۳۹۳.
۱۱. راشد محصل، محمدتقی، درآمدی بر دستور زبان اوستایی «بررسی یسن نهم»، چاپ خواجه، تهران، ۱۳۶۴.
۱۲. رفیعی، فاطمه و تاج‌بخش، اسماعیل، فعل گذرا و ناگذر، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، س. ۱۴، ش. ۵۵، بهار ۱۳۹۶.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی  
The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

۱۳. سالاری، مصطفی؛ مظاهری، ذبیح‌الله، مقایسه دستور زبان فارسی سنتی و جدید، چهارمین کنفرانس بین‌المللی زبان، ادبیات، تاریخ و تمدن، ۱۳۹۹.
۱۴. قریب، عبدالعظیم، پنج استاد، به اهتمام استادان بهار، فروزانفر، همایی، یاسمی، تهران، انتشارات مرکزی، چاپ اول، ۱۳۶۳.
۱۵. منشی‌زاده، مجتبی و ناصح، امین، نگاهی رده‌شناختی به نحو زبان فارسی میانه، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی باهنر کرمان، دوره جدید، ش. ۲۲، ۱۳۸۶.
۱۶. نعمت‌زاده، شهین، وام‌گیری واژگانی از منظر رده‌شناسی زبان، ویژه‌نامه فرهنگستان، ش. ۱، ۱۳۹۵.
۱۷. وحیدیان کامیار، تقی و عمرانی، غلامرضا، دستور زبان فارسی (۱)، چاپ نوزدهم، ۱۳۹۹.
۱۸. وفایی، عباسعلی، دستور تطبیقی فارسی-عربی، نشر سخن، ۱۳۹۱.